



سیاست و مواضع ایالات متحده آمریکا در قبال بحران یمن (۲۰۱۹-۲۰۱۱)*



شهبلا نجفی** - دکتر مجید بزرگمهری***

چکیده

مواضع و سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ همواره تأثیرات ملموسی را در عرصه نظام بین‌المللی و نظام‌های منطقه‌ای داشته است. بحران یمن در سال ۲۰۱۱ از یکسو ناشی از مسائل ملی و مشکلات داخلی و نارضایتی مردم و از سوی دیگر متأثر از تحولات منطقه‌ای و فراملی، آغاز شد و از سال ۲۰۱۵ با ورود بازیگران فراملی شکل جدیدی به خود گرفت. در میان بازیگران فراملی، ایالات متحده، ائتلاف عربی به رهبری عربستان، امارات و ایران، نقش پررنگ‌تری نسبت به سایر بازیگران دارند. سوال اینست که سیاست و مواضع ایالات متحده آمریکا در قبال بحران یمن چگونه ارزیابی می‌گردد؟ در پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل اسناد، استفاده شده است. چارچوب نظری پژوهش معطوف به بهره‌گیری از نظریه نظام‌های منطقه‌ای کانتوری و اشیگل به ویژه محث سیستم بازیگران خارجی مداخله‌گر می‌باشد. هدف مقاله نیز، کمک به دستگاه سیاست خارجی ایران برای برنامه‌ریزی در سیاست‌های منطقه‌ای است. نتیجه کلی مقاله نشان می‌دهد که سیاست اصلی آمریکا در این بحران، ایجاد موازنه قوا میان عربستان و ایران، و در این راستا دامن زدن به تنش و درگیری میان طرف‌های درگیر برای کاهش توان ایران و وابستگی بیشتر عربستان به غرب است. ایجاد فضا برای تشدید احساس خطر نزد کشورهای عربی خلیج فارس از هژمونی ایران و افزایش تنش‌ها، بستر وابستگی روزافزون کشورهای عربی جنوب خلیج فارس به غرب و تسلیحات آمریکایی را فراهم می‌کند و منابع نفتی و انسانی کشورهای اسلامی منطقه در مسیر نابودسازی یکدیگر هزینه می‌گردد، سیاستی که اسرائیل نیز شدیداً آن را دامن می‌زند.

کلیدواژگان

آمریکا، بحران یمن، سیستم مداخله‌گر، عربستان سعودی، ایران، خاورمیانه

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل شهبلا نجفی با راهنمایی دکتر مجید بزرگمهری است.

** دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره)

*** نویسنده مسئول، دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره)

مقدمه

خاورمیانه و خاورمیانه از دیرباز جز مناطقی محسوب می‌شده که بازیگران بلوک غرب و شرق منافعی تعیین شده در آن داشته و مطابق با اهداف مختلف خود، سیاست خارجی منطبق با همان اهداف را نیز در پیش می‌گرفتند. از سوی دیگر، مواضع و سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ همواره تأثیرات ملموسی را در عرصه نظام بین‌المللی و نظام‌های منطقه‌ای داشته است.

کشور یمن بنا به موقعیت ژئوپلیتیکی خود جزء همین دسته از مناطقی است که مسایل آن هم برای بازیگران منطقه و هم برای بازیگران فرامنطقه‌ای دارای اهمیت استراتژیکی است. بحران یمن در سال ۲۰۱۱ از یکسو ناشی از مسائل ملی و مشکلات داخلی و نارضایتی مردم و از سوی دیگر متأثر از تحولات منطقه‌ای و فراملی بود و از سال ۲۰۱۵ با تغییر تاکتیک بازیگران فراملی شکل جدیدی به خود گرفت. در میان بازیگران فراملی، ایالات متحده آمریکا، ائتلاف عربی به رهبری عربستان از یکسو و ایران به عنوان حامی حوثی‌ها از سوی دیگر، نقش پررنگ‌تری نسبت به سایر بازیگران مانند چین و یا روسیه دارند.

با توجه به اینکه بحران یمن مرزهای ملی را درهم نوردیده و بازیگران فراملی را درگیر خود کرده است، به بحرانی بین‌المللی تبدیل شده است. بنابر این، متعاقب بحران یمن، شورای امنیت از سال ۲۰۱۱ به صورت فعالتر وارد معرکه شده و قطعنامه‌های متعددی را که عمدتاً تأیید دولت تحت امر عربستان سعودی و مخالفت با وضعیت قیام حوثی‌هاست به تصویب رسانده است. این قطعنامه‌ها از سال ۲۰۱۵ در حمایت از ائتلاف عربی به سرکردگی عربستان بوده است.

در این راستا، آمریکا ضمن همسویی با سیاست‌ها و اقدامات متحد منطقه‌ای خود یعنی ریاض، تا سال ۲۰۱۵ سیاست مداخله مستقیم در قالب مبارزه با شاخه القاعده در شبه جزیره را دنبال می‌کرد ولی با افزایش جنگ داخلی و کم‌رنگ شدن اهمیت گروه‌های تروریستی، و قدرت یافتن جدی حوثی‌ها، از سال ۲۰۱۵، عملاً به نقش تشویق و حمایت از اقدامات ائتلاف عربی به رهبری عربستان روی آورد، سیاستی که کاهش حضور نیروهای آمریکایی در یمن و واگذاری وظیفه برقراری مجدد امنیت به عربستان را به دنبال داشت. این سیاست باعث شد وابستگی کشورهای عربی جنوب خلیج فارس به ویژه عربستان به کمک‌های سیاسی و تسلیحاتی آمریکا روز به روز افزایش یابد و به علت درگیر بودن ایران در قالب جنگ نیابتی، منابع مالی و انسانی دو قطب بزرگ جهان اسلام علیه یکدیگر در سرزمین یمن هزینه شود.

سوال اصلی اینست که سیاست و مواضع ایالات متحده آمریکا در قبال بحران یمن چگونه ارزیابی می‌گردد؟ فرضیه تحقیق اعلام می‌دارد که سیاست اصلی آمریکا، ایجاد موازنه قوا میان عربستان و ایران و در این راستا دامن زدن به تنش و درگیری میان طرف‌های درگیر برای کاهش توان ایران و وابستگی بیشتر عربستان به غرب است. ایجاد فضا برای تشدید احساس خطر نزد

کشورهای عربی خلیج فارس از هژمونی ایران و افزایش تنش‌ها، بستر وابستگی روز افزون کشورهای عربی جنوب خلیج فارس به غرب و تسلیحات آمریکایی را فراهم می‌کند و منابع نفتی و انسانی کشورهای اسلامی منطقه در مسیر نابودسازی یکدیگر هزینه می‌گردد، سیاستی که اسرائیل نیز شدیداً آن را دامن می‌زند.

در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل اسناد، درصد تحلیل داده‌ها هستیم. چارچوب نظری پژوهش معطوف به بهره‌گیری از نظریه نظام‌های منطقه‌ای کانتوری و اشیگل به ویژه مبحث سیستم بازیگران خارجی مداخله‌گر می‌باشد. هدف نهایی تحقیق، کمک به دستگاه سیاست خارجی ایران برای برنامه‌ریزی در سیاست‌های منطقه‌ای است.

۱- پیشینه پژوهش

مقالات و نوشته‌های متعددی در زمینه بحران یمن و سیاست‌های ایالات متحده در قبال بحران مذکور به زبان‌های فارسی و انگلیسی نگارش و تدوین یافته‌اند که عمدتاً مربوط به بازه زمانی پیش از ۲۰۱۵ می‌باشد.

عنایت‌الله یزدانی و سید سعید حسن‌زاده در ۱۳۹۵ در مقاله «رویکرد سیاست خارجی عربستان سعودی و آمریکا در قبال بحران یمن (۲۰۱۵-۲۰۱۱)» دلیل فراگیر شدن بحران یمن را دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دانسته و نقش عربستان سعودی و ایالات متحده را به عنوان دو بازیگر فراملی پررنگ‌تر می‌دانند. پژوهش مذکور معتقد است به جهت اینکه عربستان، متحد ایالات متحده محسوب می‌شود، آمریکا نیازی به حضور مستقیم در منطقه ندارد و با استفاده از بازوی اجرایی خود سعی در رسیدن به اهداف خود دارد (Yazdani, 2016: 1075). نویسندگان مقاله بحث خود را تا سال ۲۰۱۵ به سرانجام رسانده است و طبیعتاً سیاست‌واشنگتن در دوره ترامپ بررسی نشده است.

رضا التیامی‌نیا در ۱۳۹۵ در مقاله «بحران یمن: بررسی زمینه‌ها و اهداف مداخلات خارجی عربستان و آمریکا» به ریشه‌یابی بحران یمن از جمله عوامل داخلی و خارجی پرداخته و بیان کرده، نقش آفرینی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچون عربستان، شورای همکاری خلیج فارس و ایالات متحده در روند تشدید بحران مؤثر بوده است. نویسنده معتقد است سیاست آمریکا، درگیر ساختن ایران در عرصه مسائل منطقه‌ای است تا باعث فرسایش قدرت و توان منطقه‌ای آن شود (Eltiaminia, 2016: 1-28). التیامی‌نیا نیز فقط تا سال ۱۳۹۵ موضوع بحران یمن را بررسی کرده است.

مهدی طوسی و آکو قادری در ۱۳۹۷ در مقاله «بررسی سیاست تطبیقی ایالات متحده در خاورمیانه قبل و بعد از بهار عربی» معتقدند سیاست خارجی آمریکا در پیش و پس از بهار عربی به

رغم برخی تغییرات روشی و تعارض منافع استراتژیکش با اصول دموکراتیک، در راستای منافع استراتژیک از پیش تعیین شده در این منطقه بوده است (Tusi & Ghaderi, 2018: 7). مؤلفان این اثر عمدتاً به سیاست خارجی کلی آمریکا در خاور میانه پرداخته‌اند و موضوع بحران یمن بحث محوری آنها نیست.

وحید سلوکی، در گزارشی با عنوان «روابط نظامی عربستان با آمریکا» که در مرکز بین‌المللی مطالعات صلح انتشار یافته است، به بررسی خرید و فروش نفت و تسلیحات نظامی بین عربستان و آمریکا پرداخته و می‌نویسد: «به واسطه همین قراردادهای نظامی، نقش عربستان در مسایل و تنش‌های منطقه گسترش یافته است» (Soluki, 2018).

حمید درج و سیدداود آقایی در نوشتار خود با عنوان «جایگاه راهبردی یمن در سیاست خارجی و امنیتی ترامپ» در ۱۳۹۶ به اهداف ترامپ در فضای شبه جزیره عربستان می‌پردازند. از نظر آنها، آمریکای ترامپ در چارچوب رئالیسم تهاجمی سیاست‌های خود را علیه ایران در منطقه یمن دنبال می‌کند. ترامپ با اهدافی چون پاره کرده حلقه‌های محور مقاومت، حذف ایران از معادلات منطقه و نیز جلوگیری از سرایت امواج شیعه‌گری به عربستان، رویکردی سخت و قدرت طلبانه را در قبال تحولات یمن اتخاذ کرده است. ترامپ برای به رخ کشیدن قدرت آمریکا در منطقه، ابایی از دست زدن به اقدامات نمایشی ندارد و با نگاهی کاسبه‌کارانه و منفعت محور به تحولات یمن، انبار سلاح‌های غربی را با دلارهای نفتی کشورهای متحد عربی به منطقه سرازیر می‌کند (Dorj, 2017: 68-39). این مؤلفان معتقد هستند که آمریکا نقش فعالتری به صورت حضور مستقیم در یمن ایفاء خواهد کرد و اسناد را تا سال ۱۳۹۶ بررسی کرده‌اند ولی داده‌های اثباتی زیادی را در تأیید فرضیه خود ارائه نداده‌اند.

«پروژه صلح یمن»^۱ که یک سازمان غیرانتفاعی در واشنگتن است در گزارشی با عنوان «نقش آمریکا در یمن» در ۲۰۱۷ روند تحولات اقدامات آمریکا در حمایت از تهاجمات ائتلاف عربی علیه مردم یمن را مورد بررسی و انتقاد قرار می‌دهد و برخی از موارد نقض حقوق بشر را یادآور می‌گردد (Yemen Peace Project, 2017: 1-16). موضوع محوری این گزارش صرفاً ارائه داده‌های در موضوع نقض حقوق بشر است نه تحلیل سیاست آمریکا در بحران مزبور.

«گروه بحران بین‌المللی»^۲ مستقر در بروکسل در گزارش ۳۴ صفحه‌ای با عنوان «القاعده یمن، گسترش پایگاه»^۳ در فوریه ۲۰۱۷ اعلام می‌دارد ایده «دشمن دشمن من، دوست من است» باعث

^۱. The Yemen Peace Project

^۲. International Crisis Group

^۳. Yemen's al-Qaeda: Expanding the Base

شده تا القاعده یمن فضای عملیاتی بیشتر پیدا کرده و قدرتمندتر گردد (Crisis Group Middle East, 2017).

مهدی داریوش ناظم رویا در مقاله کوتاهی با عنوان «ژئوپلیتیک پشت جنگ در یمن: شروع جبهه جدید علیه ایران» ابتدا اشاره‌ای به ناکارآمدی دولت ورشکسته صالح داشته و هدف ایالات متحده از حضور در بحران یمن را کنترل تنگه باب‌المندب دانسته تا بدین طریق امنیت انرژی که زیربنای اقتصاد غرب است را تأمین کند (Nazemroaya, 2015). مؤلف مذکور داده‌ها را تا ۲۰۱۵ ارزیابی کرده است.

عبدوس ستارغزالی، سردبیر مجله ژورنال آمریکا در تحلیلی با عنوان «اهداف استراتژیک آمریکا در پشت جنگ در یمن» معتقد است هدف ایالات متحده از همسویی با عربستان، جلوگیری از کنترل باب‌المندب توسط حوثی‌ها (متحد ایران) است تا با کنترل این تنگه توسط متحد خود (عربستان) امنیت تردد کشتی‌های نفتی را تأمین کند (Ghazali, 2015). غزالی نیز مانند مؤلف قبلی فقط تا سال ۲۰۱۵ داده‌ها را بررسی کرده است.

آنتونی کوردسمن در مقاله کوتاهی در ۲۰۱۵ با عنوان «واشنگتن، ریاض و اهمیت استراتژیک یمن» به تحلیل جایگاه یمن در سیاست خارجی ایالات متحده می‌پردازد و همکاری و اتحاد آمریکا و عربستان را ایجاد نوعی بازدارندگی و ثبات استراتژیک برای مهار ایران می‌داند (Cordeman, 2015).

وجه ممیزه تحقیق حاضر، تکیه بر گزارش‌های مستند و بررسی ابعاد متنوع سیاسی، امنیتی و اقتصادی موضوع است. کمتر مقاله و تحقیقی به زبان فارسی و حتی انگلیسی به نحو جامع به روند تغییر سیاست آمریکا از حضور مستقیم به سیاست واگذاری مسئولیت به متحدان از سال ۲۰۱۵ به بعد پرداخته است. اغلب آثار ایرانی به محکوم سازی عربستان سعودی به علت وابستگی روز افزون به غرب پرداخته‌اند ولی در این نوشتار تلاش می‌شود ضمن نگاهی بی‌طرفانه، بازی خوردن همه طرف‌های درگیر منطقه‌ای نیز مورد توجه قرار گیرد.

۲- چارچوب نظری: سیستم مداخله‌گر

تأملات نظری در مطالعات منطقه‌ای نشان می‌دهد که «چهار مدل فکری در مورد نگاه به منطقه در سیاست جهانی وجود داشته است: ژئوپلیتیک محور، نظام محور، مارکسیستی و منطقه‌گرایی. (Ahmadi Lafuraki and Talebi Arani, 2019: 14).

مدل ژئوپلیتیک محور که بیشتر در نظریه «مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای» جای دارد، مجاورت جغرافیایی را مهمترین عامل شکل‌گیری مناطق در جهان محسوب می‌کند. باری بوزان و ویورالی استدلال کرده‌اند: «سطوح تحلیل ملی و بین‌المللی نمی‌تواند برای تحلیل مسائل مربوط به مناطق

مناسب باشند؛ لذا وجود یک سطح تحلیل میانه ضروری است؛ زیرا می‌تواند به عنوان تلاشی در جهت پرکردن شکاف میان سطح دولت و نظام بین‌الملل به کار آید» (Buzan, 2009: 212).

بر اساس مدل نظام محور، مناطق عرصه‌هایی هستند که به عنوان نظام‌های تابعه‌ی نظام بین‌الملل عمل می‌کنند. ویلیام تامپسون، مایکل برچر، کانتوری و اشپیگل از جمله نظریه‌پردازان نظام‌های تابعه هستند (Ahmadi Lafouki, 2018:15).

به نظر کانتوری و اشپیگل چهار متغیر الگویی، می‌تواند تبیین‌کننده جریان‌های مختلف منطقه‌ای باشد که عبارتند از: ۱. ماهیت و سطح انسجام یا میزان تشابه؛ ۲. ماهیت ارتباط‌های درون منطقه‌ای؛ ۳. سطح قدرت در نظام تابعه و ۴. ساختار روابط درون منطقه‌ای (Ranjesh, 2015: 272). از نظر آنها سیستم تابعه سه بخش دارد: ۱) بخش مرکزی که توجه اصلی سیاست بین‌الملل در هر منطقه به آن معطوف است؛ ۲) بخش حاشیه‌ای که در سیاست منطقه‌ای نقش جانبی دارند و ۳) سیستم مداخله‌گر که گویای نفوذ و شراکت کشورهای خارجی در امور منطقه است (Ghanbarlou, 2009: 41).

قدرت‌های خارجی به ویژه قدرت‌های بزرگ که منافعتشان به حوزه جغرافیایی و مرزهای ملی خودشان محدود نمی‌شود، بر پایه ملاحظات امنیتی و اقتصادی خویش در پیدایش، تخریب، تقویت یا تضعیف نظام‌های منطقه‌ای مؤثرند (۱۴۸: Bozorgmehri, 2005). قدرت‌های مداخله‌گر ارتباط جغرافیایی با یک منطقه ندارند ولی بنا به ملاحظات منافع ملی، خود یا از طریق هم‌پیمانان منطقه‌ای در معادلات منطقه‌ای حضور می‌یابند. نوع مداخلات بازیگران مداخله‌گر نیز به دو سطح فعال و غیر فعال تقسیم می‌شود (150: Bozorgmehri, 2005). مداخله فعال شامل مشارکت مستقیم در معادلات سیاسی و امنیتی منطقه است.

چنانکه در بررسی نظرات کانتوری و اشپیگل اشاره شد، هر سیستم منطقه‌ای متشکل از سه بخش مرکزی، پیرامونی و خارجی است. دخالت فعالانه بازیگران منطقه‌ای، به معنی آزادی عمل کامل آنها نیست. سیاست‌ها و اقدامات بازیگران منطقه‌ای، همواره تحت نظارت و تأثیر قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. اینکه نحوه توزیع قدرت در نظام منطقه‌ای چگونه بر دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در امور مناطق تأثیر می‌گذارد، سؤالی است که پاسخ‌های متنوعی به آن داده شده است (43-44: Ghanbarlou, 2009). وقتی قدرت‌های برتر در نظم منطقه دخالت می‌کنند، ظهور یکی از پنج نظم زیر محتمل به نظر می‌رسد:

۱. نظم هژمونیک که در آن، قدرت برتر به تنهایی نقش اصلی را ایفاء کرده و روابط و مناسبات امنیتی منطقه‌ای را اداره می‌کند.
۲. نظم موازنه‌ای، که در آن، قدرت‌های مداخله‌گر، فضای بازیگران منطقه‌ای را متوازن و

متعادل می‌کنند تا یک طرف برتری مطلق پیدا نکند. این مدل شرایطی را ایجاد می‌کند که بازیگران منطقه‌ای توان یکدیگر را خنثی می‌سازند.

۳. نظم کنسرتی که در آن، چند قدرت توافق می‌کنند در مورد تداوم نظم ثبات و امنیت منطقه با یکدیگر همکاری و هماهنگی داشته باشند.

۴. نظم امنیت دسته جمعی، شامل نظم امنیتی چندجانبه‌ای که کشورها در مجموعه امنیتی منطقه‌ای تعقیب می‌کنند. فرق آن با نظم کنسرتی این است که در نظم امنیت دسته جمعی، مدیریت، حق و امتیاز ویژه قدرت‌های برتر به تنهایی نیست و قدرت‌های کوچکتر نیز مشارکت دارند.

۵. نظم جامعه امنیتی تکثرگرا که در آن، به خاطر به حداقل رسیدن امکان خشونت، ترتیبات امنیتی رسمی وجود ندارد. در چنین شرایطی، معمولاً همگرایی گسترده‌ای در نظام منطقه‌ای حاکم می‌شود (Lake, 2002: 188-197).

در این پژوهش به نظر می‌رسد در حوزه بحران یمن، مدل دوم یعنی نظم موازنه‌ای قابلیت تحقق داشته است. در این راستا، آمریکا مقامات ریاض را به سمتی سوق می‌دهد تا با شیوه اتحاد و همکاری با کشورهای منطقه به ویژه امارات متحده و بحرین نوعی ائتلاف موازنه‌ای را برابر ایران ایجاد کرده و از افزایش قدرت ایران در منطقه جلوگیری کنند (Khorassani, 2019: 114). ایالات متحده آمریکا سعی دارد در برابر ایران با کمک عربستان سعودی و ائتلاف عربی، ایجاد موازنه کند. در این شرایط، یکی از بازیگران، قدرت فائقه منطقه نخواهد شد بلکه امکانات و منافع قطب‌های درگیر در مسیر خنثی سازی توان طرف مقابل به کار گرفته می‌شود و در نهایت یک نظم موازنه‌ای ایجاد می‌شود (Ghanbarlou, 2009: 44).

۳- تاریخچه تحولات: روند از هم‌پاشیدگی قدرت مرکزی در یمن و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای

از نظر تاریخی، سعودی‌ها همواره تمایل داشتند که یمن تحت کنترل آنان و دارای یک حکومت مرکزی ضعیف باشد و از طریق نظام قبیله‌ای و گروه‌های سیاسی متفرق اداره شود. به عبارتی، راهبرد عربستان در برابر یمن توسل به محافظه‌کاری تهاجمی بوده است که سعی داشته از نفوذ انقلاب‌های عربی به داخل کشورش ممانعت کند.

به موازات تشدید وقایع بهار عربی، حتی پیش از اینکه موج انقلابی از تونس و مصر به یمن برسد، رژیم علی عبدالله صالح، گروه وقت حاکم بر یمن، با چالش‌های متعددی دست و پنجه نرم می‌کرد از جمله، جنگ در شمال با حوثی‌ها، جنگ در جنوب با جدایی‌طلبان، مبارزه با نفوذ القاعده، بن‌بست اصلاح انتخابات و قانون اساسی و وخامت اوضاع اقتصادی. عبدالله صالح که

بیش از سه دهه قدرت را با تکیه بر موازنه‌ای قبیله‌ای، کمک ارتش و نیروهای امنیتی قبضه کرده بود در نتیجه اعتراضات مردمی مجبور به کناره‌گیری شد (Hosseini Moghadam, 2017: 80).

موضوع کناره‌گیری عبدالله صالح و روی کار آمدن عبد ربه منصور هادی، معاون صالح به عنوان رئیس‌جمهور یمن بر اساس توافق‌نامه ۱۸ مه ۲۰۱۱ که با میانجیگری شورای همکاری خلیج فارس و کمک و نظارت دبیرکل سازمان ملل صورت گرفت مورد حمایت شورای امنیت قرار گرفت. بر اساس این توافق‌نامه به شرط برخورداری عبدالله صالح از مصونیت قضایی، در مرحله بعد باید فرایند مسالمت‌آمیز اصلاحات با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری پس از یک دوره موقت انتقالی دو ساله ادامه می‌یافت و طی این دوره، گفت و گوهای ملی برای انجام فرایند قانونی انتقال قدرت انجام می‌گرفت. اما منصور هادی در ۲۱ فوریه ۲۰۱۲ انتخاباتی فرمایشی برگزار کرد که برخلاف قانون اساسی یمن، تنها خود، نامزد آن بود. درحالی که گروه‌های مخالف و انقلابی، انتخابات را به دلیل غیر رقابتی بودن، تحریم کرده بودند، اما با مداخله شورای همکاری خلیج فارس مقرر شد منصور هادی از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ به عنوان رئیس‌جمهور انتقالی باقی مانده و در سال ۲۰۱۵ انتخابات برگزار شود. طی این مدت، در شرایطی که گفت و گوهای ملی در جریان بود، ناگهان منصور هادی اعلام استعفا کرد و در ۲۱ فوریه ۲۰۱۵ به عدن و از آنجا به عمان و سپس به عربستان گریخت و برای بازگشت به قدرت، درخواست کمک کرد (Fazaeli, 2016: 46-47).

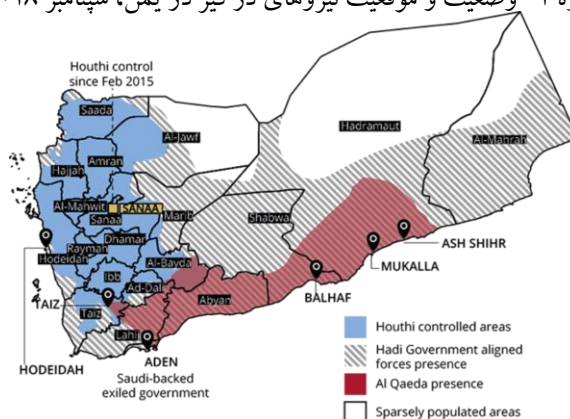
متعاقب این تحولات، عربستان در ۲۵ مارس ۲۰۱۵ همراه با ائتلافی از برخی کشورهای عرب منطقه، حملات هوایی خود را با نام عملیات «توفان قاطع» علیه حوثی‌ها آغاز کرد. در این عملیات، هواپیماهای عربستان، امارات، قطر، کویت، بحرین، مراکش، مصر، اردن و سودان شرکت کردند و سوماتی هم اجازه استفاده از پایگاه‌های نظامی خود را داد (Heshmat, 2018: ۵۹). این درحالی است که بنا به ادله حقوق بین‌الملل، مداخله عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس در مسائل داخلی یمن مجاز نبوده و عملاً تلفات انسانی و غیر انسانی بسیار گسترده‌ای را در یمن برجای گذاشته است. شرایط ناگوار مردم یمن امروزه در یکی از بحرانی‌ترین دوران خود و منطقه است (Arik Adkanian, 2018: 29).

در شرایط فعلی، یمن با تکه تکه شدن سرزمین میان گروه‌های درگیر روبه‌رو است هرچند که حوثی‌ها به علت حمایت مردمی و حاکمیت بر صنعا، دست برتر را در معادلات داخلی یمن دارند.

یمن دارای بافت قبیله‌ای است و آثار تحولات قبیله‌ای فقط محدود به یمن نخواهد بود بلکه بر منازعات درون قبیله‌ای عربستان، عمان، امارات، بحرین و حتی کویت تأثیرگذار خواهد بود.

معادلات قدرت در یمن بر حوزه کشورهای افریقایی منطقه باب المندب نیز مؤثر خواهد بود.

نقشه شماره ۱- وضعیت و موقعیت نیروهای درگیر در یمن، سپتامبر ۲۰۱۸



Source: (Al Jazeera, 2018)

۴- مواضع آمریکا در قبال بحران یمن

در این قسمت داده‌های محوری سیاست آمریکا در قبال یمن بحث می‌گردد.

۴-۱- اولویت‌های استراتژیک آمریکا در منطقه

این اولویت‌ها، محورهای متعددی را در بر می‌گیرد که مهمترین آنها عبارتند از:

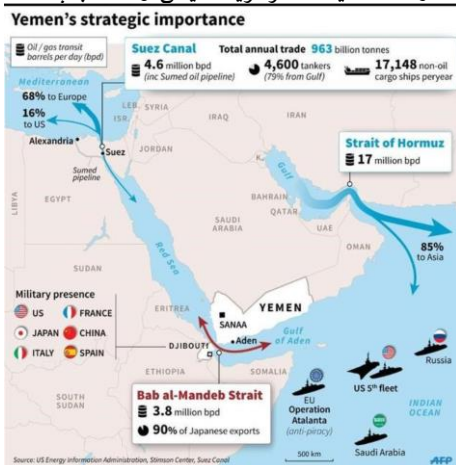
۴-۱-۱- امنیت تردد منابع انرژی و نفت

وضعیت صادرات گاز و نفت یمن در جهان در اقتصاد جهانی و اقتصاد آمریکا حائز اهمیت است (U.S. Energy Information Administration, 2014). یمن دست کم دارای چهار موقعیت ویژه ژئوپلیتیک است؛ اشراف بر خلیج عدن، اشراف بر آبراه حساس دریای سرخ، تسلط بر کوه استراتژیک مران و از همه مهمتر اشراف بر مهمترین تنگه استراتژیک جهان، باب‌المندب (سردار، ۱۳۹۴: ۷۷). این امر با توجه به نیاز آمریکا به نفت، وجود منابع نفتی، موقعیت استراتژیکی خلیج فارس و موقعیت سوق‌الجیشی یمن برای عربستان و ایالات متحده، موجبات همگرایی هرچه بیشتر این دو دولت را فراهم آورده است (Turki, 2018: 13-14).

باب‌المندب یک راه مهم استراتژیک برای تجارت بین‌المللی و حمل و نقل دریایی است که خلیج فارس و اقیانوس هند را از طریق دریای سرخ به دریای مدیترانه متصل می‌کند. این گذرگاه به اندازه کانال سوئز برای خطوط حمل و نقل دریایی و تجارت بین آفریقا، آسیا و اروپا مهم است (Nazemroaya, 2015). امنیت هر محموله‌ای که از طریق کانال سوئز عبور می‌کند، امنیت ایالات

متحده آمریکا و سایر کشتی‌های جنگی متحده در حال عبور از کانال سوئز را نیز، تحت تأثیر قرار می‌دهد (2: Ghazali, 2015).

نقشه شماره ۲- اهمیت استراتژیک یمن و تنگه باب‌المندب

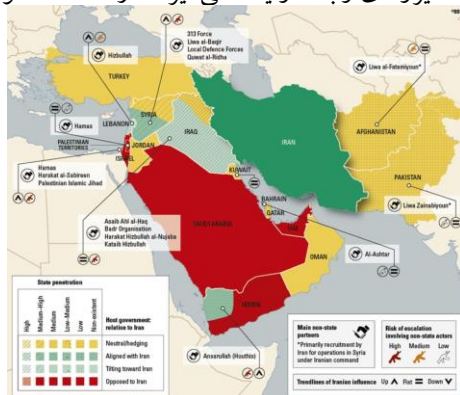


Source: (Neil, 2018)

۴-۱-۲- مهار نفوذ ایران و مقابله با محور مقاومت

ایران به رغم شرایط سخت تحریم‌های بین‌المللی به ویژه تحریم‌های یکجانبه آمریکا، سیاست گسترش نفوذ خود را در منطقه افزایش داده است. از منظر غرب، ایران، با تقویت گروه‌های نیابتی، عملاً نقش مؤثری در معادلات منطقه‌ای ایفا می‌کند (Fathi, 2019: 211). گزارش تحلیلی کالج قوای کانادا در ۲۰۱۸ اظهار می‌دارد که ایران حضور گسترده‌ای در حوادث و تحولات یمن دارد (Brooks, 2018: 11-13).

نقشه شماره ۳ - نیروهای وابسته و یا حامی ایران در منطقه (محور مقاومت)



Source: (IISS, 2019)

حوثی‌ها به دلیل الگوگیری اولین رهبر آنها، حسین‌الحوثی از انقلاب اسلامی درحقیقت حرکتی اسلامی- شیعی- زیدی را در یمن پایه‌گذاری کردند. ایران طی سالیان گذشته از اقدامات آنها حمایت سیاسی و دیپلماتیک کرده است. سرنگونی حکومت منصور هادی که مورد حمایت سعودی‌ها قرار دارد و در نهایت تسلط کامل حوثی‌ها بر صنعاء و مناطق استراتژیک یمن می‌تواند شرایط را برای حضور گسترده‌تر و نفوذ بیشتر ایران در حیات خلوت عربستان فراهم کند (Amiri Ekhtiari, 2015). لذا مهمترین استدلال عربستان سعودی در توجیه تجاوز نظامی به یمن، تسلط حوثی‌ها بر یمن با طراحی ایران و تهدیدات آن بر امنیت سعودی‌ها، منطقه، تنگه باب‌المندب و انرژوی است. کشورهای حوزه خلیج فارس اقداماتی مانند افزایش قدرت نظامی، فرستادن مستشاران نظامی به کشورهایمانند سوریه و عراق، پیگیری برنامه هسته‌ای توسط ایران را دلایلی بر توسعه طلبی ایران قلمداد کرده‌اند (Hosseini Moghadam, 2017: 93). در واقع عربستان نفوذ شیعیان زیدی در یمن را همانند افزایش قدرت منطقه‌ای ایران تعبیر می‌کند. پیوند حوثی‌ها با ایران سبب نگرانی ایالات متحده نیز شده است. بنابراین سعودی‌ها با حمایت ایالات متحده در پی تغییر توازن قدرت در منطقه و مهار ایران هستند (Nejat, 2016: 15V).

بدون شک حوثی‌ها متحد ایران محسوب می‌شوند و دارای اشتراکات مذهبی و راهبردهای سیاسی با ایران هستند (Abdulkareem, 2019).

در سند استراتژی دفاع ملی آمریکا ۲۰۱۷ نیز ایران به عنوان حامی تروریسم دولتی در سطح جهان و در خاورمیانه یاد شده که از طریق جنگ‌های نیابتی، تأمین مالی تروریسم و گسترش تسلیحات، باعث گسترش عدم ثبات و ناامنی در منطقه می‌گردد (The White House, 2017: 49). بنا به ادعای سند استراتژی دفاع ملی آمریکا ۲۰۱۸، رژیم‌های سرکش مانند کره شمالی و ایران در حال بی‌ثباتی کردن مناطق و تعقیب برنامه تسلیحات هسته‌ای و هدایت تروریسم هستند (Mattis, 2018: 2). سند مذکور همچنین اظهار می‌دارد که آمریکا در منطقه خاورمیانه از مجموعه منابع قدرت خود استفاده می‌کند تا در برابر ایران موازنه برقرار سازد (Mattis, 2018: 9).

در متن «استراتژی ملی آمریکا در مبارزه با تروریسم» ۲۰۱۸، سند کاخ سفید مدعی می‌شود ایران برجسته‌ترین حامی تروریسم دولتی است و ایران را در ردیف القاعده و داعش قرار می‌دهد (The White House, 2018: 9).

در شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه ۲۴۰۲ در ۲۰۱۸ که ایران را به علت مداخله در ارسال تسلیحات به حوثی‌ها محکوم می‌کرد توسط روسیه و تو شد (S/RES/2402, 2018). نماینده ایالات متحده در این شورا، اعلام داشت که حق وتوی روسیه در این قطعنامه فقط برای محافظت

از تلاش‌های ایران برای بی‌ثبات‌سازی منطقه و گسترش نفوذ بدخیم آن است.

۴-۲- سیاست‌های عملی آمریکا در قبال بحران یمن از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹

رویکرد عملیاتی آمریکا در یمن شامل موارد ذیل می‌گردد:

۴-۱-۲- مقابله با تروریسم و القاعده در یمن

وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر تحول اساسی در نگاه به امنیت بین‌الملل و دکترین امنیت ملی ایالات متحده ایجاد کرد. پس از اینکه مشخص شد طراح حملات، گروه القاعده بوده (یزدانی، ۱۳۹۵: ۱۰۸۵) و کشور یمن از جمله مناطقی است که می‌تواند مقر نیروهای القاعده باشد، این کشور نیز در نقطه کانونی سیاست خارجی ایالات متحده قرار گرفت (Cordesman, 2015). چرا که نیروهای القاعده پس از سرکوب در افغانستان، پاکستان، عراق و عربستان، یمن را پایگاهی برای عضوگیری، فعالیت و طراحی عملیات‌های تروریستی خود قرار داده‌اند (Yazdani, 2016: ۴۰۸۵). کز ملی مبارزه با تروریسم گزارش می‌دهد که این کشور فعال‌ترین جنبش افراطی در برنامه‌ریزی حملات تروریستی علیه ایالات متحده است (Cordesman, 2015). بنا به نظر «جاناتن اشنازر» در گزارش تفصیلی با عنوان «ارتش‌های القاعده، گروه‌های خاور میانه و نسل جدید ترور» در ۲۰۰۴ شرایط ضعف دولت مرکزی، وجود فضای مداخله بیگانگان و وضعیت اقتصادی بسیار اسف بار و فقر فزاینده، باعث این شده بود که سرزمین یمن به عنوان یکی از پایگاه‌های القاعده توسط رهبران القاعده انتخاب شود (Schanzer, 2005: 67-7۰). تأسیس «القاعده جهاد» اولین پایگاه نظامی سازمان القاعده در جزیره العرب (شبه جزیره عربستان) که از ادغام دو زیر مجموعه القاعده یمن و عربستان شکل گرفت زنگ خطر را برای آمریکا و غرب نواخت و این اعتقاد ایجاد شد که به علت دولت ضعیف و عدم ثبات در این کشور، امکان گسترش رادیکالیسم تروریستی در این سرزمین و انتقال آن به سایر سرزمین‌های عربی و خاورمیانه قوت جدی دارد (Yazdani, 2016: 1075).

دستگیری شیخ محمد علی حسن موید در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۳ در یک تله اطلاعاتی در فرانکفورت آلمان توسط یگان اف.بی.ای (Schanzer, 2005: 86) از جمله اقدامات آمریکا در این دوره بوده است. تأسیس مرکز عملیات ویژه مشترک^۱ به رهبری پنتاگون از جمله اقدامات واشنگتن برای مبارزه با تروریسم تلقی می‌گردد (Alkarama Foundation, 2013: 27).

آمریکا تا سال ۲۰۱۵ سیاست کمک به دولت منصور هادی را برای تقویت بنیه دفاعی و مقابله با القاعده یمن البته به شیوه روند کاهشی دنبال می‌کرد، به نحوی که در ۲۰۱۲، رقم ۳۵۳ میلیون دلار، در ۲۰۱۳ رقم ۳۱۶،۲۳ میلیون دلار و در ۲۰۱۴ رقمی برابر ۲۲۱،۴ میلیون دلار به

^۱. The Joint Special Operations Command (JSOC)

دولت مرکزی یمن برای مقابله با گروه‌های تروریستی کمک کرد (Sharp, 2015: 11). همان طور که ملاحظه می‌شود ارقام کمک‌های مستقیم آمریکا به دولت یمن سیر نزولی داشته است.

«القاعده در شبه جزیره» در موارد متعددی علیه منافع و نیروهای آمریکایی وارد عمل شده است. اقدام ناموفق عملیات عمر فاروق عبدالمطلب از عوامل القاعده برای انفجار در خطوط هوایی شمال غرب آمریکا در روز کریسمس دسامبر ۲۰۰۹، در فضای فوقانی دیترویت از جمله موارد مذکور است (Cordesman, 2013). در مارس ۲۰۱۲ نیز یکی از ماموران سیا توسط القاعده یمن کشته شد (Sharp, 2012: 11) و در اکتبر ۲۰۱۲، یک مامور محلی در سفارت آمریکا در صنعاء توسط القاعده شبه جزیره عربی در یمن به قتل رسید (Ghobari, 2012).

اگر چه آمریکا تا سال ۲۰۱۵ حضور عملیاتی در قالب استراتژی مبارزه با تروریسم در یمن داشته است ولی این حملات به علت کم دقتی و بی برنامه گی، باعث کشته شدن رقم بالای از غیر نظامیان نیز شده است. بنا به گزارش بنیاد «الکرامه»، اصول اولیه حقوقی نبرد های مسلحانه و حقوق بین الملل درگیری های مسلحانه در حملات به رهبری آمریکا در یمن رعایت نشده است. این سند به ده مورد حملات نیروهای آمریکایی بین سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ به مناطق مختلف یمن اشاره می کند که طی آنها حقوق بین الملل منازعات مسلحانه نقض شده است. سند در یک مورد به اسامی ۴۵ فرد یمنی غیر نظامی شامل زنان باردار و عادی، کودکان و افراد مسن اشاره می کند که در جریان حملات قوای آمریکا کشته و یا زخمی شده اند و دولت آمریکا غرامتی بابت این تلفات پرداخت نکرده است (Alkarammeh, 2013: 70-74).

بر پایه گزارش «گروه بحران بین المللی» در بروکسل، مشکل مهم عملیات نیرو های آمریکایی در یمن، عدم دقت کافی عملیات بهپادها و بروز تلفات میان نیرو های غیر نظامی مردمی است. بسیاری از عملیات ها بدون شناسایی مقدماتی محل حمله، از نظر اشخاص مورد هدف، صورت می گیرد. بنا به گزارش، این رویه در دوره ترامپ نیز مکرر تکرار شده است. مانند عملیات ۲۹ ژانویه ۲۰۱۷ در منطقه درگیری که میان حوثی ها و طرف مقابل صورت گرفت. در این عملیات، بجای ضربه زدن به طرف مقابل، یک فرمانده آمریکایی، روسای قبایل مشهور و تعدادی از کودکان و زنان یمنی قربانی شدند (International Crisis Group, 2017: 28).

بر اساس یک مطالعه صورت گرفته، از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵، قوای آمریکا ۳۲۷ عملیات هوای، بهپادی و زمینی را علیه گروه های تروریستی در یمن انجام داده است که در مجموع بین ۱۳۷۴ تا ۱۷۷۱ شبه نظامی و ۱۱۵ تا ۱۴۹ نفر شهروند غیر نظامی کشته شده اند (Sharp, 2020: 11). قوای آمریکا از سال ۲۰۱۵ به بعد هم عملیات های محدودی علیه گروه های تروریستی

¹. Al-Qa'ida in the Arabian Peninsula (AQAP)

داشته است. بر اساس گزارش ترامپ به کنگره در دسامبر ۲۰۱۹، تعداد محدودی از قوای آمریکا در یمن در حال عملیات علیه قوای القاعده در شبه جزیره^۱ و داعش هستند (Sharp, 2020: 10). در ۶ فوریه ۲۰۲۰ کاخ سفید بیانیه ای منتشر کرد که مدعی شد نیروهای آمریکایی رهبر فعلی و یکی از بنیانگذاران القاعده شبه جزیره، قاسم الریمی را به قتل رسانده‌اند. در آوریل ۲۰۱۲ یکبار قوای آمریکا سعی کردند در یک حمله موشکی خودرو الریمی را مورد هدف قرار دهند که عملیات موفق نبود. پیش از کشته شدن الریمی، ویدئوی از وی انتشار یافته بود که القاعده شبه جزیره به عنوان مسئول حمله در پایگاه هوایی پنساکولا^۲ در ایالت فلوریدا توسط افسر آموزشی عربستان سعودی معرفی شده بود. در این عملیات سه ملوان آمریکایی کشته شده بودند (Sharp, 2020: 11).

بنا به گزارش ارائه شده به کنگره، آمریکا مدعی است که در ۲۰۲۰ قاسم الریمی، در ۲۰۱۸ ابراهیم العصیری، در ۲۰۱۵ ناصر الوحیسی، در ۲۰۱۲ فهد الکوسو و در ۲۰۱۱ انور الاولکی را کشته است (Sharp, 2020: 11).

۴-۲-۴- حمایت از متحدان به موازات واگذاری مسئولیت حفظ امنیت به آنها و کم کردن حضور مستقیم در منطقه

به دلیل پیوستگی امنیتی یمن و عربستان در ابعاد سرزمینی (به خصوص تنگه باب‌المندب) و جمعیتی (پناهندگان یمنی در عربستان) طبیعتاً تداوم هرگونه ناامنی و بی‌ثباتی یمن به درون عربستان سعودی نیز سرازیر خواهد شد. تحولات کشور یمن می‌تواند به گسترش اندیشه‌هایی درباره اصلاحات دموکراتیک میان اقلیت‌های شیعی، زیدی و اسماعیلی عربستان منتهی گردد. یزدانی معتقد است که تحولات یمن و قدرت گرفتن حوثی‌ها امکان خیزش شیعیان زیدی و اسماعیلی در عربستان سعودی را دامن می‌زند و حتی در خیزش مجدد شیعیان بحرین مؤثر خواهد بود (Yazdani, 2016: 1077).

سند طرح صلح یمن در گزارش موسوم به «نقش آمریکا در ۲۰۱۷ یمن و فراتر» این گونه می‌نویسد: «سیاست آمریکا همواره و شدیداً تحت شعاع منافع اش با عربستان سعودی و سایر دول خلیج است که آمریکا آنها را متحدین کلیدی و شرکای نظامی می‌داند، که این متحدین شامل کویت، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و عمان می‌گردند. همکاری مزبور برای تقویت ثبات منطقه‌ای و مقابله با نفوذ ایران است» (YPP, 2017: 4). آمریکا در دوران ترامپ، با افزایش توان نظامی و اطلاعاتی و بالا بردن بودجه نظامی، فروش سلاح بیشتر را به عربستان سعودی و سایر کشورهای خلیج فارس در برنامه خود قرار داده است (Dorj, 2019: 109).

¹. Al-Qa'ida in the Arabian Peninsula (AQAP)

². Pensacola

با وجود آنکه روابط ریاض و کاخ سفید در دوره اوباما (به خصوص بعد از توافق هسته‌ای ایران و غرب) فروغ گذشته را نداشت با این حال، آمریکا در جنگ یمن نقش هماهنگ‌کننده اطلاعاتی و پشتیبانی هوایی را برعهده داشت (Aghaei, 2017: 41) به گونه‌ای که بعد از حمله ائتلاف عربی به یمن، دولت اوباما بیانیه‌ای منتشر کرد و اظهار داشت: «به منظور حمایت از اقدامات شورای همکاری خلیج برای دفاع در برابر خشونت حوثی‌ها، آمریکا ارائه پشتیبانی لجستیکی و اطلاعاتی را برای عملیات‌های نظامی تحت رهبری شورای همکاری خلیج مجاز کرده است» (Aladeimi, 2019). بعد از حملات ائتلاف عربی علیه یمن، معاون وزیر امور خارجه ایالات متحده، آنتونی بلینکن در ریاض اعلام کرد: «عربستان سعودی پیام محکمی را به حوثی‌ها و متحدانشان در منطقه می‌فرستد و به عنوان بخشی از این تلاش، ما تحویل تسلیحات را تسریع بخشیده‌ایم» (Zenko, 2015).

از زمان آغاز حملات ائتلاف عربی تحت هدایت عربستان، نیروی دریایی آمریکا از مرکز فرماندهی پنجم، مستمر برنامه بازرسی کشتی‌های مظنون به حمل تسلیحات از سوی ایران به حوثی‌ها را به انجام می‌رساند. بنا به گزارش‌های اعلامی، دولت آمریکا در روز ترور فرمانده سپاه قدس، قاسم سلیمانی، در صدد ترور عبد الرضا شهلائی فرمانده سپاه قدس در یمن بود که این عملیات ناکام ماند (Haltiwanger, 2020). چند هفته قبل از آن، وزارت خارجه آمریکا جایزه ۱۵ هزار دلاری برای کمک به دستگیری شهلائی را اعلام کرده بود (Sharp, 2020: 10).

با افزایش اعتراضات بین‌المللی درباره تلفات بالای غیرنظامیان در جنگ، اوباما در دسامبر ۲۰۱۶، فروش تسلیحات به عربستان را به حالت تعلیق درآورد (Aghaei, 2017: 55). ایالات متحده از این سال سعی کرد ایفای نقش جدی در روند سیاسی یمن را کاهش دهد و حداقل تحرک را از خود نشان دهد و در عوض، نقش اصلی را به عهده عربستان، بازوی اجرایی خود واگذارد (Eltiaminia, 2016: 190). دونالد ترامپ نیز از زمان تصدی، جایگاه عربستان سعودی را به عنوان متحد برتر خاورمیانه بالا برد و برنامه فروش گسترده اسلحه به پادشاهی را تشویق و دنبال کرد (Ryan, 2018). فروش آمریکا و انگلستان بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ بیشترین رقم را در مقایسه با سایر کشورها به عربستان داشته است (David, 2019: 99).

دولت آمریکا همراه با متحدان غربی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ در تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت طرف عربستان سعودی و دولت منصور هادی را گرفته‌اند. قطعنامه ۲۲۱۶ بعد از حملات ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی علیه یمن در ۱۴ آوریل ۲۰۱۵ با رای ممتنع روسیه ذیل فصل هفتم به تصویب رسید. شورا ضمن حمایت از مشروعیت قانونی ریاست جمهوری منصور هادی، طرفین را به بازگشت به اجرای ابتکار شورای همکاری خلیج فارس ملزم کرده است. قطعنامه مذکور اقدامات حوثی‌ها را به شدت محکوم کرده و از اقدامات رئیس‌جمهور

پیشین یمن، علی عبدالله صالح اظهار نگرانی کرده و این گونه اقدامات را بی‌ثبات کننده معرفی کرده است (S/RES/2216, 2015).

نماینده ایالات متحده آمریکا در نشست شورای امنیت، اقدامات حوثی‌ها را بی‌ثبات کننده و علیه امنیت و وحدت یمن دانست که باعث خشونت گسترده شده است. همچنین بیان کرد حوثی‌ها قطعنامه‌های شورای امنیت را نادیده گرفته‌اند بنابراین ایالات متحده به حمایت قاطع خود از قطعنامه (۲۰۱۵) ۲۲۱۶ می‌پردازد. قطعنامه ۲۲۰۱ بعد از استعفای منصورهادی و محاصره کاخ ریاست جمهوری توسط حوثی‌ها در ۱۵ فوریه ۲۰۱۵ با فشار آمریکا به اتفاق آراء به تصویب رسید. قطعنامه ضمن ابراز تاسف از اقدامات حوثی‌ها در منحل کردن مجلس و تصاحب حکومت یمن، این گونه فعالیت‌ها را یکجانبه دانسته که مانع از گذار سیاسی در یمن شده و امنیت و ثبات و وحدت مردم را به خطر انداخته است (S/RES/2201, 2015). نماینده آمریکا در شورای امنیت در حمایت از قطعنامه، بیان داشت که کلیه طرفین در یمن به ویژه حوثی‌ها باید بحران سیاسی کشور را از طریق گفتگوی مسالمت‌آمیز حل کنند.

ترامپ در آوریل ۲۰۱۹ قطعنامه کنگره درباره توقف درگیری مستقیم آمریکا در جنگ یمن را وتو کرد و در بیانیه‌ای گفت که پشتیبانی لجستیکی و اطلاعاتی و سوخت‌رسانی هوایی، درگیری مستقیم در جنگ نیست (Abramson, 2019). البته، درک سیاست خارجی دونالد ترامپ در منطقه خاورمیانه دشوار است. از طرفی، وی معتقد است «این منطقه یک باتلاق بزرگ است که ایالات متحده باید از آن دور بماند» از طرف دیگر، تأمین امنیت نفت و متحدان ایالات متحده سبب شده که آمریکا در دوره تمام روسای جمهور خود نتواند از منطقه خاورمیانه صرف نظر کند (Aghaei, 2017: 49-50).

سیاست کلی آمریکا کاهش وضعیت حضور مستقیم در منطقه و واگذاری مسئولیت به متحدان خود از جمله عربستان سعودی و سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس می‌باشد. دولت اواما آغازگر این سیاست بود ولی دولت ترامپ کم کردن حضور مستقیم را با ایجاد فضا برای فروش حجم عظیم تسلیحات به کشورهای متحد و دامن زدن به تنش‌ها برای غرق شدن آسیای جنوب غربی در آتش جنگ درون منطقه‌ای کشورهای رقیب تکمیل کرد. از منظر جریان‌های راست افراطی جمهوری خواه، ترامپ و اسرائیل، تشدید شرایط ناامنی در شبه جزیره عربستان، خلیج فارس و باب المندب به تشویق بیشتر کشورهای عربی منطقه به خرید تسلیحات و وابستگی بیشتر به غرب و آمریکا و حتی تسلیحات روسی و چینی می‌گردد. بر پایه گزارش‌های فرماندهی مرکزی آمریکا، ارتش آمریکا از ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸، بیش از ۴۰ میلیون پوند صرف سوخت رسانی به جنگنده‌های سعودی کرده است. عوامل سیا، نیروهای اطلاعاتی انگلستان و اسرائیل در حال پشتیبانی و به نحوی هدایت برنامه‌های عربستان در مقابله با حوثی‌ها هستند

(Fathi, 2019: 219).

آمریکا سه محور را در قبال بحران یمن تعقیب می‌کند. کنترل بر تنگه باب المندب و گذرگاه‌های تجاری، سپس تشدید بحران یمن به شیوه‌ای نامحسوس و نهایت تجارت اسلحه و تجهیزات نظامی به کشورهای منطقه و درگیر (Fathi, 2019: 220). دونالد ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی تأکید داشت که ایالات متحده آمریکا باید، مخارج تأمین امنیت متحدانش در جهان را کاهش دهد تا از این طریق، اقتصاد داخلی ایالات متحده آمریکا را پویا تر سازد و به خواسته‌های آمریکایی‌ها پاسخ دهد. ترامپ اعتقاد دارد که دیگر نباید کاخ سفید چتر دفاعی اعراب خاورمیانه باشد و برای آنها هزینه کند و کشورهای عربی باید خودشان هزینه‌هایشان را پردازند. لذا ترامپ و حامیان تسلیحاتی او به فروش تسلیحات در آسیای غربی چشم دوخته‌اند (Dorj, 2017: 51). از نظر ترامپ، امنیت کالایی است که آمریکا برای دیگران ایجاد می‌کند بدون این که آنها بهای آن را پردازند. ترامپ معتقد است آمریکا در حالی به بسیاری از کشورها سواری مجانی می‌دهد که منافع مستقیمی در آنجا ندارد (۱۵۳-150 Yazdan Pham, 2016).

از سال ۲۰۱۵ با شروع درگیری‌های وسیع داخلی در یمن، آمریکا کمک‌های خود به دولت منصور هادی را کاهش چشمگیر داد و کمک‌های خود را معطوف به کمک‌های انساندوستانه کرد. این کمک‌های مستقیم به دولت منصور هادی از سال ۲۰۱۶ با رقم ۱۱۴ میلیون دلار، در سال ۲۰۱۷ به ۵۵،۸۸۴، در سال ۲۰۱۸ به ۳۵، در سال ۲۰۱۹ به ۴۳،۴۰۰ و در سال ۲۰۲۰ به ۴۱،۴۰۰ میلیون دلار کاهش یافت و قرار است در سال ۲۰۲۱ به میزان ۳۶،۴۵۰ میلیون دلار نیز برسد (Sharp, 2020: 14). حتی آمریکا از ۲۴ مارس ۲۰۲۰، نخستین دور تعلیق و کاستن کمک‌ها و حمایت‌های انساندوستانه خود در خصوص مردم یمن را آغاز کرد. ادعای آمریکا این بود که نماینده حوثی‌ها ظاهراً از دریافت کمک‌ها استنکاف کرده است. «کلی گرفت» سفیر آمریکا در سازمان ملل اعلام داشت که دولت ایالات متحده شدیداً نگران افزایش مداخله مخرب حوثی‌ها در اقدامات انساندوستانه خود و شرکایش در شمال یمن می‌باشد (Sharp, 2020: 8).

۴-۲-۳- موارد نقض حقوق بین‌الملل بشر دوستانه از سوی ائتلاف عربی و ادامه حمایت آمریکا به رغم مخالفت داخلی

چهار تن از کارشناسان سیاست‌های تسلیحاتی آمریکا اعلام می‌دارند که موارد نقض حقوق بین‌الملل در تهاجمات ائتلاف عربی به رهبری عربستان و امارات در بحران یمن به سه دسته تقسیم می‌گردد: بمباران شهروندان غیرنظامی، مسدودسازی بندرهای کلیدی که کمک‌های انساندوستانه را به مردم یمن ارسال می‌دارد و نقض گستره کنوانسیون‌های ژنو (David, 2019: 37). گزارش تحلیلی کالج قوای کانادا در ۲۰۱۸ اظهار می‌دارد که عملیات قوای ائتلاف عربی به رهبری

¹. Kelly Craft

عربستان در بسیار موارد ناقض حقوق بشر دوستانه است و شاهد یک فاجعه انسانی در یمن هستیم (Brooks, 2018: 18).

در قوانین آمریکا، مطابق بخش سوم لایحه نظارت بر صادرات تسلیحات کد ۲۷۵۳ و بخش ۵۰۵ لایحه کمک‌های خارجی، دولت آمریکا باید نظارت از روند نقل و انتقالات تسلیحات فروخته شده به کشورها را اعمال کند تا تسلیحات مزبور به طرف ثالثی واگذار نشود و در چارچوب توافق مورد استفاده قرار گیرد. انتقال و استفاده از تسلیحات صادراتی آمریکا به عربستان در عملیات قوای ائتلاف علیه حوثی‌ها در چارچوب توافقات فروش تسلیحات به عربستان و امارات نیست. «سی ان ان» در چند گزارش موضوع انتقال این نوع تسلیحات را توسط عربستان سعودی و امارات به قوای هادی گزارش داد. البته عربستان و امارات منکر چنین رویه‌ای بودند (Sharp, 2020: 11). نگرانی قانونی از این بابت هست که این تسلیحات در دست اشخاص ثالثی بیافتد که مورد تأیید ارتش آمریکا نیست. چون ممکن است از نحوه ساخت تسلیحات کپی برداری شود. در عمل ارتش عربستان بخشی از این تسلیحات را در اختیار نیروهای تحت فرمان منصور هادی قرار داده است (Sharp, 2020: 12).

چهار مورد قانون داخلی آمریکا، شامل «قطعنامه اختیارات جنگی»، «لایحه جرایم جنگی»^۱، «لایحه نظارت بر صادرات تسلیحات»^۲ و «وضعیت شکنجه فرد بیگانه»^۳ می‌گردد که گزارش حقوقی مجله امنیت ملی هاروارد در ۲۰۱۹ از احتمال جدی نقض این قوانین داخلی در سیاست‌ها و اقدامات حمایتی آمریکا از حملات ائتلاف عربی در یمن خبر می‌دهد. در این گزارش حقوقی به تفصیل به موارد نقض هر یک از قوانین چهارگانه اشاره شده است. البته گزارش اظهار می‌دارد که اگرچه اقدامات جنگی و حملات هوایی قوای ائتلاف عربی ناقض مقررات حقوق بشر دوستانه است، لیکن سیاست حمایتی آمریکا ناقض مقررات حقوق بین‌المللی تلقی نمی‌شود زیرا که نه یمن و نه آمریکا عضو دیوان بین‌المللی کیفری نیستند (Hathaway, 2019: 72-74).

بنا به نظر «نیکلاس سایدل»، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات اخلاقیات و حاکمیت قانون، دانشگاه پنسیلوانیا، چهار سال عملیات ائتلاف عربی به رهبری عربستان در یمن فاقد هر گونه دست آورد نظامی بوده و در عوض تلفات انسانی عظیمی را به واسطه بمباران مناطق غیر نظامی، قحطی فراگیر و بیماری‌های مسری بر مردم فقیر یمن تحمیل کرده است. عملیات ائتلاف مزبور به کرات ناقض مقررات حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و حقوق جنگی بوده است (Saidel, 2019: 2).

¹. War Powers Resolution

². War Crime Act

³. Arms Export Control Act

⁴. Alien Tort Statute

برای جلوگیری از مشارکت آمریکا در حمایت از این عملیات کشتار گونه، لایحه محدود سازی و ممنوعیت ادامه حمایت و پشتیبانی آمریکا از حملات ائتلاف عربی، در مجلس نمایندگان و سنا رای آورد ولی ترامپ، آن را وتو کرد برای شکستن وتو لازم بود سنا مجدداً به مخالفت به وتوی رئیس جمهور رای دهد که در این مرحله، موضوع بی اعتبارسازی وتوی رئیس جمهور رای کافی را نیاورد (https://www.congress.gov/bill/116th-congress/senate-joint-resolution/7).

سه تن از کارشناسان خاورمیانه آمریکا، جرمی ام شارپ، کریستوفر ام بلانشارد و سارا آر کلینز که گزارش های تحلیلی و مستند برای کنگره تهیه می کنند در گزارش ۵۰ صفحه ای سال ۲۰۱۹ خود به محورهای اصلی نگرانی های سناتورها و نمایندگان کنگره در موضوع همکاری آمریکا با عربستان سعودی در بحران یمن در دو دوره ۱۱۵ و ۱۱۶ کنگره می پردازند. در این گزارش تفصیلی دو محور اصلی مورد توجه بوده است: «نخست بروز تلفات سنگین و کشته شدن تعداد زیادی از افراد غیر نظامی در عملیات های ائتلاف عربی عربستان که عملیات مزبور مورد حمایت آمریکاست و دوم موضوع روند انتقال تسلیحات آمریکایی که به عربستان فروخته شده است و ضرورت رعایت قوانین عدم انتقال این ادوات به اشخاص ثالث».

از منظر گزارش، نوع و شیوه حملات ائتلاف عربی، باعث خرابی های سنگین در مناطق غیر جنگی و کشتار غیر نظامیان و عواقب بعدی آن شامل قحطی و شیوع بیماری مسری و کشنده می شود و این نوع عملیات عملاً ناقض حقوق بشر و حتی مقررات جنگی و حقوق بشر دوستانه است. در لوایح و طرح های پیشنهادی کنگره، آمریکا باید حمایت خود را از عملیات ائتلاف عربی متوقف سازد و همچنین فروش تسلیحات به عربستان و امارات را متوقف گرداند.

چهار سناتور معروف دوره ۱۱۶ کنگره، «کریستوفر مورفی»، «سناتور «رابرت مندز»، «سناتور «برنی سندرز» و «مایک لی» نقش برجسته در طرح لوایح مذکور داشته اند. در میان اعضاء مجلس نمایندگان این دوره نیز «روخانا»^۱ «جاستین آماش» و «ویل هورد»^۲ در طرح لوایح مزبور نقش داشته اند و در کنگره دوره ۱۱۵ سناتور «تود یانگ»^۳ «سناتور کریستوفر مورفی» و نمایندگان «تد لیو»^۴ «کارن باس» نقش مؤثر تری در ارائه این دسته لوایح داشته اند (Sharp, 2019: 18).

¹. Jeremy M Sharp, Sarah R. Collins, Christopher M. Blanchard

². Christopher Murphy

³. Robert Menendez

⁴. Mike Lee

⁵. Ro Khanna

⁶. Will Hurd

⁷. Todd Young

⁸. Ted Lieu

پس از وتوی ترامپ، کاخ سفید اعلام داشت که رئیس‌جمهور متعهد می‌شود نظارت لازم در خصوص روند فروش تسلیحات به عربستان و عدم واگذاری این تسلیحات به طرف‌های ثالث را داشته باشد. نماینده دولت، استدلال می‌کرد در صورت توقف فروش تسلیحات به عربستان، این کشور برای خرید تجهیزات نظامی خود به سمت بازارهای فروش دیگر خواهد رفت. در مجموع کنگره نتوانست از طریق لوایح قانونی مانع از روند فروش تسلیحات به عربستان گردد. همواره برجسته‌نمایی خطر گسترش تروریسم و افزایش نفوذ ایران، جلوی ایجاد اجماع برای مخالفت با سیاست‌های حمایتی از عربستان را می‌گرفت (Sharp, 2019: 18).

«انا جوزا و بنجامین اچ فرید من»^۲ کارشناس امور دفاعی موسسه «اولویت‌های دفاعی» در واشنگتن در گزارشی تحلیلی سال ۲۰۱۹ در خصوص آینده سیاست‌های آمریکا در یمن به چند نکته کلیدی اشاره می‌کنند:

۱. جنگ داخلی در سال چهارم است و قوای عربستان و امارات در شرایط پیروزی بر حوثی‌ها نیستند.

۲. ایالات متحده آمریکا باید هرگونه حمایت و کمک به حملات ائتلاف عربی را متوقف کند و بجای آن بر روند مذاکرات صلح تاکید کند.

۳. حوثی‌ها به رغم برخورداری از حمایت ایران تهدیدی برای آمریکایی‌ها نیستند و با قطع مداخله عربستان، خطرات و تهدیدهای احتمالی هم کاهش می‌یاد.

۴. فروش تسلیحات به عربستان باید از قواعد منافع استراتژیک تبعیت کند نه صرفاً از جهت منافع اقتصادی (Gjoza, 2019: 2).

در تحلیل علت ادامه روند فروش تسلیحات به عربستان، علل متعددی قابل طرح است. نخست اینکه آمریکا تلاش دارد به ریاض نشان دهد انعقاد برجام با ایران نشانه کاهش حمایت واشنگتن از عربستان نبوده است (Abdel Aziz, 2019) ضمن اینکه ترامپ در نهایت نیز خروج آمریکا از برجام را اعلام داشت.

در خصوص مسائل حقوق بشری در عربستان، ترامپ در سخنرانی اش در مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۸ اعلام کرد که آمریکا حقوق هر ملت در رعایت رسوم، اعتقادات و سنن را مورد احترام قرار می‌دهد. اشاره ترامپ به انتقادات جامعه جهانی علیه عربستان در نقض حقوق بشر و ماجرای قتل خاشقچی روزنامه نگار منتقد عربستانی بود (Abdel Aziz, 2019). در سفر ترامپ به ریاض در مه ۲۰۱۷، از عربستان به عنوان متحد مهم آمریکا در در امنیت منطقه‌ای

^۱. Karen Bass

^۲. Enea Gjoza and Benjamin H. Friedman

یاد شد (Blanchard, 2018: 16). در ۲۰ مه ۲۰۱۷ ترامپ، انعقاد قرارداد فروش تسلیحات به ارزش ۳۵۰ میلیارد دلار برای یک دوره ده ساله به عربستان را اعلام کرد (Thomas, 2017) و علت آن را تلاش آمریکا در تأمین نیازهای دفاعی عربستان ذکر نمود (Defense Security Cooperation Agency, 2017). در واقع ایجاد موازنه با ایران محور اصلی سیاست خارجی آمریکا در حمایت از اقدامات نظامی عربستان در یمن است ضمن اینکه افزایش چشمگیر فروش تسلیحات به عربستان، محور تبلیغاتی ترامپ برای موفقیت در رقابت انتخاباتی و ادعایی رونق اشتغال در اقتصاد آمریکا بوده است.

جوزا و فریدمن معتقدند که سیاست محوری آمریکا در خاورمیانه جلوگیری از ایجاد هژمونی یک قدرت فائقه است. موازنه قوا، مطلوب ترین گزینه آمریکا است زیرا که قدرت‌های منطقه‌ای یکدیگر را خنثی می‌سازند. این دو محقق اظهار می‌دارند که علت حمایت آمریکا از عربستان سعودی در بحران یمن، ضعف عربستان در برقراری موازنه با ایران است (Gjoza, 2019: ۳).

نتیجه‌گیری

تشدید بحران و جنگ داخلی یمن از سال ۲۰۱۱ از یک طرف ناشی از مسائل ملی و مشکلات داخلی و نارضایتی مردم و از طرف دیگر متأثر از تحولات منطقه‌ای و فراملی، بود ولی از سال ۲۰۱۵ با ورود گسترده تر بازیگران فراملی و تغییر تاکتیک آمریکا ابعاد جدیدی به خود گرفت. ایالات متحده آمریکا در سیاست کلان خود ضمن رویکرد کاستن نقش مستقیم و هزینه بر در معادلات منطقه‌ای آسیای جنوب غربی، تمایل به از دست دادن نقش نظارتی و هدایت گر خود در مناطق استراتژیک انرژی و امنیتی را ندارد. سیاست اصلی آمریکا واگذاری تدریجی نقش حافظ امنیت به کشورهای متحد مانند عربستان و شورای همکاری خلیج فارس است. از سال ۲۰۱۵ و به طور خاص به دنبال به قدرت رسیدن دونالد ترامپ، تغییرات تاکتیکی در راهبرد های سیاست کلان آمریکا رخ داد. در این دوره جدید، آمریکا و اسرائیل سعی دارند از مسائل یمن در راستای سیاست‌های میان و دراز مدت خود بهره برداری کنند. وجود بحران در این منطقه باعث افزایش مستمر وابستگی کشورهای منطقه به حمایت تسلیحاتی و اطلاعاتی به غرب می‌گردد.

مبارزه با تروریسم از سوی آمریکا از شکل درگیری فراگیر خارج شده و شکل نقطه زنی یافته است و تحت لوای آن نیز تلاش شده تا با نیروهای مخالف آمریکا مقابله حذفی شود. ترور سردار قاسم سلیمانی، فرمانده قوای قدس به همراه ابو مهندس رهبر قوای حشد الشعبی در عراق و برنامه‌ریزی برای ترور همزمان سردار شهلائی حاکی از رویکرد جدید سیاست آمریکا برای حذف عناصر تأثیرگذار و مخالف خود در منطقه دارد. مذاکرات مستقیم آمریکا با طالبان و گرفتن تضمین از آنها مبنی بر عدم حمله به قوای آمریکا در برابر آزادی نیروهای شان در

افغانستان، رویکرد جدید کاخ سفید را در مبارزه با تروریسم ترسیم می‌سازد. آمریکا مبارزه سنگر به سنگر با تروریسم را به کشورهای منطقه واگذار کرده و فقط سراغ سرشاخه‌های می‌رود که حذف فیزیکی آنها، اختلالات اساسی در سیاست‌های منطقه‌ای کشورهای رقیب مانند ایران، عراق و یمن تحت حکومت حوثی‌ها و القاعده یمن ایجاد می‌کند. نطفه القاعده یمن هم هیچگاه خاموش نمی‌شود و پروژه ایران هراسی روز به روز و گاهی با مساعدت بی‌تدبیرانه مقامات تهران، تقویت می‌شود تا عربستان و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، به علت احساس ناامنی، به غرب و تسلیحات آن بیشتر وابسته و متکی گردند.

در واقع در بحران یمن، صفحه شطرنج معادلات به نحوی طراحی شده است که دو قطب بزرگ جهان اسلام، یعنی ایران و عربستان، وارد درگیری شدید شده و آمریکا و اسرائیل به نحو بی‌نظیری از این میدان سفک الدماء مسلمین به دست و منابع خود مسلمین نهایت بهره را ببرند. وابستگی کشورهای عربی منطقه به غرب بیشتر شده و اسرائیل در صدد افزایش نفوذ روزافزون در منطقه است.

در مجموع با توجه به مطالب چارچوب نظری مقاله، به نظر می‌رسد نقش آمریکا به عنوان یک بازیگر خارجی مداخله‌گر در حوزه شبه جزیره عربستان، تقویت متحدان برای ایجاد موازنه با ایران و به موازات آن، عدم تفوق کامل یکی از طرف‌های درگیر است. فضای موازنه، موجبات گرایش بیشتر بازیگران منطقه‌ای به خرید تسلیحات بیشتر و دمیده شدن روز افزون بر شعله‌های درگیری و جنگ میان قدرت‌های منطقه‌ای را فراهم ساخته است. امروزه عملاً شاهد فضای تجزیه یمن میان حوثی‌ها، قوای منصور هادی (تحت کنف مستقیم عربستان سعودی) و منطقه جنوب تحت کنف امارات متحده عربی هستیم.

References

1. Abdel Aziz, Ghada Ahmad (2019), "The Saudi-US Alliance challenges and Resilience, 2011: 2019" Challenges and Resilience, *Review of Economics and Political Science*
2. Abdulkareem, Ahmed (2019), "A self-fulfilling prophecy; Trump's middle east policy could push Yemen's Houthis into Iran's hands", <http://www.mintpressnews.com>. [accessed 7 January 2020].
3. Aghaei, Seyed Dawoud and Hamid Dorj (2017), "Yemen's Strategic Position in Trump's Foreign and Security Policy", *International Relations Studies*, Volume 10,

Number 40, pp. 39-68.

4. Ahmadi Lafuraki, B., Talebi Arani, R. (2018), A Reevaluation on Regional Studies' Models to Promote the Applied Fundamentals of Inter-Regional Security Relations' Patterns. Political and International Approaches, 10(1), 12-42.
5. Al Jazeera. (2018), "Tense calm prevails in Yemen's Hodeidah as ceasefire holds", *Al Jazeera* (18 December 2018) <https://www.aljazeera.com/news/2018/12/fragile-hodeidah-truce-takes-effect-sporadic-fighting-reported-181217235749367.html> [accessed 7 January 2019].
6. Alkarama Foundation (2013), "License to Kill. Why the American Drone War on Yemen Violates International Law", *www.alkarama.org*, [accessed 15 January 2020].
7. Al-Tiaminia, Reza and Ali Bagheri Dolatabadi and Jaseb Nikfar, (2016), "Yemen Crisis: A Study of the Background and Objectives of Saudi-American Foreign Intervention", Strategic Research of Politic, Fifth Year, No. 18, pp. 1-28.
8. Amiri Ekhtiari, Reza (2015), "Yemen in the Vortex of Geopolitical Algebra", Center for Scientific Research and Strategic Studies in the Middle East, in: <https://www.cmess.ir/Page/View/2015-04-15/169>
9. Arikadkhanian, Alireza and Meysam Khosravi (2018), "Warlords' Responsibility for the Food Crisis in Yemen", International Studies, No. 3. Year 15, pp. 27-48.
10. Bozorgmehri, Majid (2005), "Regional system and its coercive and voluntary interaction with other levels of analysis of international relations studies (world system and foreign policy of countries)", Political-Economic Information, No. 208-207, pp. 153-144.
11. Brooks, Maj J.M (2018), "OPPORTUNITY KNOCKS: AN ANALYSIS OF IRANIAN ACTIONS IN YEMEN", *CANADIAN FORCES COLLEGE JCSP* 44, PCEMI 44. 2017-2018.
12. Buzan, Barry and Ole Waever (2009), "Regions and Powers: The Structure of International Security", translated by Rahman Ghahramanpour. Tehran, Research Institute for Strategic Studies.
13. Congressional Research Service(2018), "Saudi Arabia: background and U.S. relations (2018)", 21 September 2018, <https://crsreports.congress.gov/RL33533>.
14. Cordesman, Anthony H. and Robert M. Shelala II, and Omar Mohamed (2013), "Yemen and U.S. Security" August 8, 2013. Arleigh A. *Burke Chair in Strategy*.

Center for Strategic & International Studies.

15. Cordesman, Anthony(2015), "Washington, Riyadh and the strategic importance of Yemen".
https://www.realclearworld.com/articles/2015/03/27/washington_riyadh_and_the_strategic_importance_of_yemen_111077.html, [accessed 20 January 2020].
16. Crisis Group Middle East (2017), "Yemen's al-Qaeda: Expanding the Base", Report N°174, 2 February 2017, <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/yemen/174-yemen-s-al-qaeda-expanding-base>[accessed 20 January 2020].
17. David, Éric and Daniel Turp, Brian Wood, Valentina Azarova (2019), "OPINION ON THE INTERNATIONAL LEGALITY OF ARMS TRANSFERS TO SAUDI ARABIA, THE UNITED ARAB EMIRATES AND OTHER MEMBERS OF THE COALITION MILITARILY INVOLVED IN YEMEN", DECEMBER 2019, *The Conflict in Yemen and the Legality of Arms Transfers*, PP,1-103.
18. Defense Security Cooperation Agency (2017), "**Fact sheet: Intended sales to Saudi Arabia via foreign military sales**", 20 May, Washington, DC, available at: www.dsca.mil/news-media/news-archive/fact-sheet-intended-sales-saudi-arabia-foreign-military-sales (accessed 28 May 2018).
19. Dorj, Hamid and Reza Altiaminia (2019), "Explaining Israel's Strategic Position in US Arms Policy in the Middle East", *International Studies*. Year 16, No. 1 (61), Summer, pp. 103-125.
20. -Dorj, Hamid and Seyed Daoud Aghaei (2017), "Yemen's Strategic Position in Trump's Foreign and Security Policy", *International Relations Studies*, Year 10, Issue 40, Winter 2017, pp. 39-68.
21. Eltayami Nia and Bagheri Dolatabadi and Nikfar, Reza and Ali and Jaseb (2016) *The Yemeni Crisis: A Study of the Areas and Objectives of Saudi and American Foreign Intervention*. *Quarterly Journal of Strategic Policy Research - Fifth Year*, No. 18
22. Fathi, Mohammad Javad and Farzad Jahanbin (2019), "Explaining the Geopolitical Crisis in Yemen: Factors and Actors", *World Politics*, Volume 8, Number 1, Spring, 27, pp. 193-228.
23. Fazaeli, Mustafa (2016), "Military intervention in Yemen from the perspective of international law", *Public Law Studies*, Volume 48, Number 1, pp. 41-70.

24. Gause, Gregory (2009), "Saudi- America relations", <https://www.everycrsreport.com>, [accessed 20 January 2020].
25. Ghanbarloo, Abdullah (2009), "The concept and nature of regional power", *Strategic Studies*, Volume 12, Number 4, Winter 2009, Serial Number 4, pp. 37-66
26. Ghazali, Abdus Sattar (2015), "The US geostrategic objectives behind the war in Yemen", www.countercurrents.org, https://www.opednews.com/articles/2/US-Geostrategic-Objectives-by-Abdus-Sattar-Ghaza-America_Egypt_Energy_Hegemony-150409-961.html [accessed 7 January 2019].
27. Ghobari, Mohammed (2012), "Gunmen Kill Yemeni Who Worked At U.S. Embassy in Yemen", *Reuters*, October 11, 2012. <http://www.reuters.com/article/2012/10/11/us-yemen-assassination-idUSBRE89A0F820121011>.
28. Gjoza, Enea and Benjamin H. Friedman (2019), "END U.S. MILITARY SUPPORT FOR THE SAUDI-LED WAR IN YEMEN", Policy Director, *Defence Priorities*, January 2019. DEFENSEPRIORITIES.ORG / @DEFPRIORITIES. Washington DC, PP,1-12.
29. Haltiwanger, John (2020), "Trump tried and failed to kill another top Iranian military leader the same day of the deadly strike on Soleimani, US officials say". Jan 11, 2020, *Business Insider*.
30. Hathaway, Oona.A and Aaron Haviland, Srinath Reddy Kethireddy, Alyssa T. Yamamoto (2019), "Yemen: Is the U.S. Breaking the Law?", *Harvard National Security Journal*. Vol. 10, PP,1-74.
31. Heshmat, Fahimeh (2018), "Analysis of the military actions of the Saudi-led coalition from the perspective of international humanitarian law", *Foreign Policy*, Volume: 32, No. 1, pp. 57-87.
32. Hosseini Moghaddam, Nahid and Bahram Yousefi (2017), "Saudi Arabia's Strategy for the Yemeni Crisis (2015-2010)", *International Journal of Nations Research*, Volume 3, Number 25, pp. 79-103.
33. <http://www.emeraldinsight.com/2631-3561.htm>, Emerald Publishing Limited. DOI 10.1108/REPS-04-2019-0057, September 2019.
34. <https://www.businessinsider.com/trump-tried-failed-kill-another-iran-official-same-day-soleimani-2020-1> , [accessed 21 January 2020].
35. <https://www.congress.gov/bill/116th-congress/senate-joint-resolution/7> [accessed 21

January 2020].

36. International Crisis Report.(2017),”Yemen’s al-Qaeda: Expanding the Base Middle East”, **Report**, N°174, 2 February 2017, Belgium, PP,1-29.
37. Jafari Veldani, Asghar and Hadith Asemani (2017), "Study of Saudi-US military relations and its role in Saudi regional measures", Bi-Quarterly Journal of Politics and International Relations, First Year, No. 2, pp. 93-115.
38. Jones, Seth G (2019), “War by Proxy: Iran’s Growing Footprint in the Middle East”. **Report**, March 11, 2019, Center for Strategic & International Studies, <https://www.csis.org/war-by-proxy>.
39. Khorasani Ismaili, Parisa and Behnaz Ajdari, Majid Masoumi (2019), "Extraterrestrial balance of the new leadership of Saudi Arabia against the Islamic Republic of Iran", International Studies, Volume 16, Number 3 (63), Winter 1398., pp. 113-137 .
40. Lake, David E. and Patrick M. Morgan (2002), Regional Orders; Security Building in the New World, translated by Seyed Jalal Dehghani of Tehran, Institute for Strategic Studies.
41. Mattis, Jim (2018), “Summary of the National Defense Strategy of the United States of America, Sharpening the American Military’s Competitive Edge. 2018” , , <https://dod.defense.gov/Portals/1/Documents/pubs/2018-National-Defense-Strategy-Summary.pdf>, [accessed 21 January 2020].
42. Nazemroaya. Mahdi Darius (2015),“The geopolitics behind the war in Yemen: the start of a new front against Iran”, Part 1, www.strategic-culture.org <https://www.strategicculture.org/news/2015/03/30/the-geopolitics-behind-the-war-in-yemen-i/>[accessed 21 January 2020].
43. Neil, P George (2018), “PARADISE LOST LONG”, September 13, 2018, <https://www.neilpgeorge.com/blog/2018/11/24/paradiselost2>, [accessed 21 January 2020].
44. Nejat, Seyed Ali and Seyedeh Razieh Mousavi, Mohammad Reza Saremi (2016), "Strategy of Saudi Arabia and the Islamic Republic of Iran in response to the crisis in Yemen", International Relations Studies, Volume 9, Number 33, pp. 137-179.
45. Ranjkesh, Mohammad Javad and Navid Reza Latifan (2015), "Study of the effect of Russian-American competition on the process of convergence and divergence in Central Asia (2001-2008)", Central Eurasian Studies, Volume: Ninth, No. 2, pp. 269-

- 288.
46. S/RES/2201(2015). Security Council Distr: General 15 February 2015, [https://undocs.org/S/RES/2201%20\(2015\)](https://undocs.org/S/RES/2201%20(2015)) [accessed 20 January 2019].
47. S/RES/2216(2015). Security Council Distr: General 14 April 2015, [https://undocs.org/S/RES/2216\(2015\)](https://undocs.org/S/RES/2216(2015)) [accessed 20 January 2019].
48. Saidel, Nicholas and Claire Finkelstein (2019), "Congress Should Defund Hostilities in Yemen" *A Policy Note by the Center for Ethics and the Rule of Law (CERL)*, Center for Ethics and the Rule of Law. University of Pennsylvania. Release Date: April 29, 2019, PP,1-18.
49. Sardar, Hamid and Mir Hadi Mousavi (2015), "Yemen's position in the foreign policy of Saudi Arabia", *Foreign Policy*, Volume 29, Number 1, pp. 75-96.
50. Schanzer, Jonathan (2005), "Al-Qaeda's Armies: Middle East Affiliate Groups & the Next Generation of Terror", Foreword by Ambassador Dennis Ross, Director, 2004, 2005, *The Washington Institute for Near East Policy* PP, 1-225.
51. Selouki, Vahid (2018), "Saudi military relations with the United States", February 12, 2017, International Centre for Peace Studies.
52. Sharp, Jeremy M (2015), "Yemen: Background and U.S. Relations", January 21, 2015, *Congressional Research Service*, www.crs.gov. RL34170, PP, 1-33.
53. Sharp, Jeremy M (2020), "Yemen: Civil War and Regional Intervention" Updated April 23, 2020, R43960, *Congressional Research Service*, <https://crsreports.congress.gov>.
54. Sharp. Jeremy.M (2012), "Yemen: Background and U.S. Relations" *Congressional Research Service*, November 1, 2012, PP, 1-14.
55. Sharp. Jeremy M & Sarah R. Collins , Christopher M. Blanchard (2019), "Congress and the War in Yemen: Oversight and Legislation 2015-2019", Updated September 6, 2019 *Congressional Research Service*.<https://crsreports.congress.gov>. R45046 PP, 1-50.
56. The International Institute for Strategic Studies (IISS) (2019), "CHAPTER ONE: TEHRAN'S STRATEGIC INTENTS", <https://www.iiiss.org/publications/strategic-dossiers/iran-dossier/iran-19-03-ch-1-tehrans-strategic-intent>[accessed 21 January 2020].
57. -The White House, (2018), "*National Strategy for Counterterrorism of the United*

- States of America*” .OCTOBER 2018, <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2018/10/NSCT.pdf>. PP.1-34.
58. The White House. (2017), “National Security Strategy of the United States of America”, December.2017, PP,1-68.
59. The Yemen Peace Project (2017), “America’s Role in Yemen 2017 and beyond”, (*YPP*), PP,1-16
60. Thomas, L. (2017), “**Defense stocks soar to all-time highs on \$110 billion US-Saudi Arabia weapons deal**”, CNBC, 22 May, available at: www.cnbc.com/2017/05/22/defense-stocks-rally-on-110-billion-us-saudi-arabia-weapons-deal.html (accessed 7 July 2018).
61. Turki, Hadi (2018), "Saudi regional goals in view of the developments in Yemen", *Regional Research*, No. 22, pp. 7-34.
62. Tusi, Mehdi and Ako Ghaderi (2018), "A Study of US Comparative Policy in the Middle East before and after the Arab Spring", *Research of Nations*, September 2018, No. 33, pp. 7-26.
63. U.S. Energy Information Administration (2014), “YEMEN”, September 25, 2014, at: <https://www.eia.gov/international/analysis/country/YEM>.
64. Yazdan Pham, Mahmoud (2016), "Trump's Foreign Policy and the Islamic Republic of Iran", *Strategic Studies*, Volume 19. Number 74, pp. 139-164.
65. Yazdani, Enayatullah and Seyed Saeed Hassanzadeh (2018), "Saudi Arabia and US foreign policy approach to the crisis in Yemen (2011-2015)", *Quarterly Journal of Politics*, Volume 28, Number 2, Winter, pp. 1075-1092.